انداختن زنگوله به گردن گربه

محمدباقر شیخ الاسلامی
عضو هیأت امنا انجمن پسته ایران



در منظومه موش و گربه عبید زاکانی آمده، روزگاری بود مثل روزگار ما، گربه‌ها دشمن موش‌ها بودند و هر جا موشی به چنگشان می‌افتاد می‌خوردند.

تعداد زیادی موش در خانه‌ای بزرگ لانه کرده‌بودند، در آن خانه گربه‌ای زندگی می‌کرد. زندگی برای موش‌ها سخت شده‌بود و هیچ موشی از ترس گربه صاحبخانه جرأت نداشت سر از لانه بیرون کند، چون بلافاصله خوراک گربه می‌شد.

موش‌های بیچاره بارها و بارها جلسه تشکیل دادند، N.G.O درست کردند، همفکری کردند تا نهایتاً یکی از موش‌ها گفت راه چاره را پیدا کردم. ما زرنگیم و تند می‌دویم؛ اگر از آمدن گربه به موقع با خبر شویم می‌توانیم فرار کنیم. پس باید زنگوله‌ای تهیه کنیم و آن را به گردن گربه بیاندازیم تا به موقع از آمدن گربه باخبر شویم و فرصت فرار داشته‌باشیم. همه موش‌ها به این فکر بکر آفرین گفتند و متفق‌القول بودند که این فکر جواب می‌دهد. اما مشکل کار، انداختن زنگوله به گردن گربه بوده و هست.

وضعیت امروز ما بی‌شباهت با این داستان زاکانی نیست. صورت مسئله مشکلات آب را تقریباً همه کم و بیش می‌دانند و سرفصل‌های ارائه شده در کاهش اثر بحران و تغییر روند کنونی را نیز می‌شناسند.

سرفصل‌هایی همچون:

- مدیریت مشارکتی منابع آب
- بازار آب
- تغییر الگوی کشت
- تغییر سبد تغذیه خانوار
- آب مجازی
- آبیار نوین و هوشمند
- مدیریت بقایا
- کاهش ضایعات
- محترم شمردن حقابه تالاب‌ها و محیط زیست
- مدیریت تقاضا
- کنترل چاه‌های غیر مجاز
- کنترل هوشمند آب و برق

همه گفته‌اند و شنیده‌اند، اما در برخورد با سد محکم و نفوذ ناپذیر حکمرانی ناکارآمد دولتی بر منابع آب در بیش از نیم قرن گذشته ره به جایی نبرده‌اند.

مسئله آب و راه حل‌های آن نباید یک پرونده بسته باشد. ماهنامه دنیای پسته باید پرونده مسئله آب را باز نگه دارد و به‌طور مداوم با اعضا در ارتباط باشد تا هر کس تجربه و راه حل خود را به موضوع اضافه کند.

بیاییم از امروز در این اندیشه باشیم که چگونه می‌توان متولیان دولتی آب را قانع کرد تا با انعطاف‌پذیری کار مردم را به مردم واگذارند.

زمان زیادی تا پایان ضرب‌العجل طبیعت برای دشت‌هایی که هنوز رمقی برای ادامه حیات دارند، باقی نمانده‌است. پس شایسته است تا به سرعت به این نتیجه برسیم که:

- بازار آب استفاده بهینه از آب است و کالا قیمتی پیدا می‌کند که قابلیت خرید و فروش داشته باشد.
- هر زمان که بهره‌برداران در تدوین قوانین و سیاستگذاری‌های حفاظت از آب مشارکت داشته باشند در اجرای آن هم همکاری نشان می‌دهند.
- به تناسب کمبود آب منابع در تولید غذا بایستی تغییراتی در سبد غذایی خود به وجود آوریم و از محصولاتی استفاده کنیم که در تولیدشان نیاز به آب کمتری است. چرا علی رغم بیش از یک دهه خشکسالی به فکر جایگزینی برای گوشت با ۱۵ تن مصرف آب (به ازای تولید هر کیلو) یا برنج و امثالهم نبوده‌ایم و هنوز هم به دنبال ایجاد منابع آب جدید برای ادامه اسراف کاری‌هایمان هستیم؟
- سریعاً و با هر قیمت بایستی توسط نصب کنتور برداشت از چاه‌های مجاز کنترل گردد.
- با باز تعریف امنیت غذایی و رعایت حریم آن از الگوی کشت جدیدی حمایت کنیم که در قبال صرف منابع آب اشتغال بیشتری ایجاد کند و منابع ارزی فزون‌تری به ارمغان آورد.
- نه تنها صادرات محصولات آب بر کشاورزی بایستی متوقف گردند، بلکه استراتژی‌ها بایستی واردات این‌گونه محصولات در عوض تولید آنها در داخل کشور باشد.
- آبیاری نوین و هوشمند همچنان بایستی مورد حمایت باشد و مقدار آب صرفه‌جویی شده صرف گسترش سطح زیر کشت نشود.

هر قدر بتوانیم آب دشت‌هایی که به بحرانی دشت رفسنجان و دشت سروستان نیستند را زودتر وارد مدیریت مشارکتی کنیم، شانس بیشتری برای آن مناطق وجود خواهد داشت.

پیش شرط شروع این مسئله آن است که دولت در دشت‌های بحرانی که مردم براساس ضرورت به فهم مشترک در مورد آب رسیده‌اند، پایلوت‌هایی را اجرا کند و به مردمی که به این فهم مشترک رسیده‌اند اختیار دهد. اگر در این دشت‌های بحرانی پایلوت‌هایی اجرا شود خیلی زود راه حل‌های موثر انتشار پیدا خواهند کرد.

گزافه گویی نبود وقتی که گفتند بحران آب حیات و تمدن ایران زمین را به ورطه نابودی خواهد کشاند و حکیمانه است اگر بگوییم روند طی شده با حکمرانی دولتی ما را بدین جا رسانده‌است و قطعاً با همان نسخه نجات نخواهیم یافت.